



زبان‌شناسی اجتماعی زبان‌های ایرانی در داخل و خارج از کشور: مطالعات موردی فارسی، ترکی آذربایجانی و کردی، به‌اهتمام سید هادی میرواحدی، پالگریو مک‌میلان، ۲۰۱۹، ۲۹۴+xvii صفحه.

علی رضاقلی فامیان | دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

زبان‌شناسی اجتماعی یا جامعه‌شناسی زبان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است. از یک سو، به زیرنظام‌های آوایی، واژگانی، نحوی، معناشناختی و کاربردشناختی زبان نظر دارد و از سوی دیگر، تحولات در نظام‌های یادشده را در بستر تحولات اجتماعی بررسی و پیش‌بینی می‌کند. جهان معاصر از منظر پراکندگی زبان‌ها چهره ساده و یکدستی ندارد و تجربه زیسته ملت‌ها و دولت‌ها نشان می‌دهد که برای فهم و مواجهه با بسیاری از رویدادهای اجتماعی-زبانی نظیر مهاجرت‌های گسترده، به حاشیه رفتن و زوال زبان‌های اقلیت، خشونت‌های اجتماعی ناشی از تبعیضات و تعصبات زبانی ناچاریم به دستاوردهای زبان‌شناسی اجتماعی تکیه کنیم. با اندکی دقت در مطالعات اخیر درمی‌یابیم که این توجه به تدریج در دستور کار نهادهای رسمی برخی کشورها قرار گرفته است. برای ارائه نمونه می‌توان به گزارش رسمی منتشر شده توسط اداره آمار آمریکا اشاره کرد. در گزارش مزبور، طراحان و مجریان سرشماری کشور آمریکا اذعان کرده‌اند که برای انجام سرشماری ملی و مصاحبه با شهروندان غیرانگلیسی‌زبان ناچار بوده‌اند شیوه‌های رایج در زبان‌شناسی اجتماعی را به مأموران سرشماری آموزش دهند (پان، ۲۰۰۷). **ساختار کتاب:** کتاب مورد بررسی به زبان انگلیسی است و در نگارش تمام مقالات، اصول و هنجارهای متداول در ژانر آکادمیک رعایت شده است. کتاب شامل بخش آغازین، متن مقالات و نمایه است. در بخش آغازین صفحه عنوان، شناسنامه، فهرست مطالب، معرفی نویسندگان، فهرست تصاویر و فهرست جدول‌ها درج شده است. کتاب شامل یازده فصل است که در سه بخش طبقه‌بندی شده‌اند. در انتهای کتاب نیز نمایه‌ای از واژه‌های کلیدی به همراه شماره صفحه راهنما دیده می‌شود. در مجموع ۱۲ محقق در تدوین مقالات این کتاب مشارکت داشته‌اند که از این تعداد، تنها سه نفر وابستگی سازمانی داخلی دارند و بقیه در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی خارج از کشور مشغول تحصیل و کار هستند.

کلیدواژه: جامعه‌شناسی زبان، فارسی، کردی، ترکی.

مقدمه

زبان‌شناسی اجتماعی یا جامعه‌شناسی زبان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است. از یک سو، به زیرنظام‌های آوایی، واژگانی، نحوی، معناشناختی و کاربردشناختی زبان نظر دارد و از سوی دیگر، تحولات در نظام‌های یادشده را در بستر تحولات اجتماعی بررسی و پیش‌بینی می‌کند. جهان معاصر از منظر پراکندگی زبان‌ها چهره ساده و یکدستی ندارد و تجربه زیسته ملت‌ها و دولت‌ها نشان می‌دهد که برای فهم و مواجهه با بسیاری از رویدادهای اجتماعی-زبانی نظیر مهاجرت‌های گسترده، به حاشیه رفتن و زوال زبان‌های اقلیت، خشونت‌های اجتماعی ناشی از تبعیضات و تعصبات زبانی ناچاریم به دستاوردهای زبان‌شناسی اجتماعی تکیه کنیم. با اندکی دقت در مطالعات اخیر درمی‌یابیم که این توجه به تدریج در دستور کار نهادهای رسمی برخی کشورها قرار گرفته است. برای ارائه نمونه می‌توان به گزارش رسمی منتشر شده توسط اداره آمار آمریکا اشاره کرد. در گزارش مزبور، طراحان و مجریان سرشماری کشور آمریکا اذعان کرده‌اند که برای انجام سرشماری ملی و مصاحبه با شهروندان غیرانگلیسی‌زبان ناچار بوده‌اند شیوه‌های رایج در زبان‌شناسی اجتماعی را به مأموران سرشماری آموزش دهند (پان^۱، ۲۰۰۷).

ساختار کتاب

کتاب مورد بررسی به زبان انگلیسی است و در نگارش تمام مقالات، اصول و هنجارهای متداول در ژانر آکادمیک رعایت شده است. کتاب شامل بخش آغازین، متن مقالات و نمایه است. در بخش آغازین صفحه عنوان، شناسنامه، فهرست مطالب، معرفی نویسندگان، فهرست تصاویر و فهرست جدول‌ها درج شده است. کتاب شامل یازده فصل است که در سه بخش طبقه‌بندی شده‌اند. در انتهای کتاب نیز نمایه‌ای از واژه‌های کلیدی به همراه شماره صفحه راهنما دیده می‌شود. در مجموع ۱۲ محقق در تدوین مقالات این کتاب مشارکت داشته‌اند که از این تعداد، تنها سه نفر وابستگی سازمانی داخلی دارند و بقیه در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی خارج از کشور مشغول تحصیل و کار هستند.

مقاله ۱: «ملیت، مدرنیته و موضوع تنوع زبانی در ایران» (سید مهدی میرواحدی)

نویسنده در این مقاله با اشاره به تنوع زبانی و قومی سرزمین ایران و برای فهم مطالب عرضه شده در سایر فصول کتاب، تحولات اجتماعی و سیاسی ایران از دوران قاجار تا عصر حاضر را به اجمال شرح می‌دهد. به استناد این مقاله، از اواخر قرن هجدهم و همگام با رخدادهای سیاسی مبتنی بر ملیت‌گرایی و مدرنیته، حکومت‌ها در گوشه و کنار جهان به اهمیت زبان در

فرایند ملت‌سازی پی بردند و پادشاهان قاجار نیز از این امر مستثنی نبودند. در این دوران، فارسی به عنوان زبان میانجی اقوام مختلف موقعیتی ممتاز یافت. در دوران پهلوی، همزمان با گسترش آموزش همگانی در سرتاسر کشور، موقعیت فارسی به عنوان زبان رسمی و تنها زبان آموزش در ایران تثبیت شد و سایر زبان‌ها و گویش‌های محلی در حوزه‌های رسمی به حاشیه رانده شدند. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷)، علاوه بر تأکید بر زبان فارسی به مثابه زبان رسمی کشور، زبان عربی قدر و منزلتی خاص یافت و مطابق با اصل شانزدهم قانون اساسی، آموزش آن در نظام آموزشی کشور مورد تأکید قرار گرفت. امروزه زبان‌ها و گویش‌های بومی مانند ترکی آذربایجانی، کردی، لری و غیره در متون رسمی آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور جایگاهی ندارند، اما در راستای اصل پانزدهم قانون اساسی کشور، گونه گفتاری آنها در شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و نیز مطبوعات محلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بخش اول کتاب؛ «سیاست تنوع قومی-زبانی در ایران»

بخش اول کتاب با عنوان «سیاست تنوع قومی-زبانی در ایران» شامل سه مقاله است. در ادامه به مرور آنها می‌پردازیم.

مقاله ۲: «شناسایی عملکرد و دیدگاه زبانی والدین آذربایجانی‌زبان در اردبیل، ایران» (رسول جعفری)

در این مطالعه مصاحبه-محور، محقق با ۱۴ نفر زن و مرد ساکن اردبیل که دارای فرزند یا نوه بودند به گفت‌وگو نشست است. در مجموع ۲۰۰ دقیقه سخنان آزمودنی‌ها ضبط و پیاده‌سازی شده است. موضوع اصلی مصاحبه با آزمودنی‌ها شامل نظر آنان در باره زبان مورد استفاده در خانواده، نگرش‌شان در باره وابستگی به زبان قومی، و انتخاب زبان در حوزه خانواده و خارج از خانه بوده است. محقق از هر امکانی بهره گرفته است تا آزمودنی‌ها صادقانه پاسخ دهند. در تحلیل نگرش آزمودنی‌ها از رویکرد علیت-محور^۱ باتیبو^۲ (۲۰۰۵) استفاده شده است، رویکردی که عوامل موثر در تغییر یا ماندگاری زبان را در پنج مرحله طبقه‌بندی می‌کند. در این مقاله چند نمونه از اظهارات آزمودنی‌ها عیناً-و البته ترجمه انگلیسی‌شان- در متن گنجانده شده است. نویسنده پس از تحلیل داده‌ها نتیجه گرفته که آذری‌زبانان وابستگی زیادی به زبان قومی خود دارند، و ترکی آذربایجانی در خانواده و جامعه زبان غالب است، اما به دلیل سیاست‌های

1. causality-based approach
2. H. M. Batibo

کلان کشور برای تقویت زبان ملی و نقش فارسی در آموزش رسمی، اغلب خانواده‌ها و به خصوص مادران در تصمیم‌گیری‌های کلان خود به پیشرفت تحصیلی، اجتماعی و اقتصادی فرزندان‌شان می‌اندیشند و لذا به تدریج در گفت‌وگوهای خانوادگی از فارسی استفاده می‌کنند. به اعتقاد نویسنده، اکنون ترکی آذری در اردبیل در معرض خطر نیست اما اگر نگرش اهل زبان منجر به تغییر رفتار شود، احتمالاً در آینده نزدیک وضعیت دوزبانگی در اردبیل به سود فارسی تغییر می‌کند و حتی در درازمدت ترکی آذری در گروه زبان‌های در معرض خطر جای می‌گیرد. جعفری برای جلوگیری از این وضعیت دو راهکار ارائه می‌دهد. نخست، انتشار فرهنگ لغت و تدوین منابع آموزش ترکی آذری توسط کمیته‌ای از زبان‌شناسان مسلط به ترکی آذری و دوم انتخاب ترکی آذری به عنوان یک عنوان درسی مستقل یا استفاده از آن به عنوان زبان آموزش. البته این پیشنهاد آخر با آنچه در قانون اساسی به صراحت قید شده ناسازگار است. مطابق با اصل پانزدهم قانون اساسی ایران، زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد.

مقاله ۳: چشم‌انداز زبانی تبریز، ایران: تبدیل گفتمان-مدار یک فضای دوزبانه به مکانی تک‌زبانه (سید مهدی میرواحدی)

چشم‌انداز زبانی شاخه‌ای از زبان‌شناسی اجتماعی است که به کمیت و کیفیت استفاده از زبان مکتوب در فضاهای شهری می‌پردازد. از موضوعات چالش‌برانگیز این شاخه مطالعاتی می‌توان به دوزبانگی و هویت زبانی به خصوص در مناطق دوزبانه اشاره کرد. نویسنده این مقاله با تکیه بر مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق رایج در این حوزه به توصیف و ارزیابی چشم‌انداز زبانی شهر تبریز پرداخته است. میرواحدی سه خیابان در مرکز شهر تبریز را به عنوان قلمرو تحقیق انتخاب کرده و پس از گرفتن ۳۷۰ عکس به شناسایی الگوهای زبانی مورد استفاده پرداخته است. او در مجموع ۴۵۵ نشانه زبانی را شناسایی کرده که شامل نوشته‌های مندرج در ویتترین مغازه‌ها، تابلوی اصناف، دیوارنوشته‌ها، اطلاعیه‌های غیررسمی و نیز تابلوهای عبور و مرور شهری هستند. شایان ذکر است که در حوزه چشم‌انداز زبانی، اغلب محققان داده‌ها را در دو رده بال-پایین (نشانه‌های مربوط به نهادهای دولتی) و پایین-بالا (مربوط به کسب و کارهای خصوصی) تفکیک می‌کنند. به گزارش محقق، ۵۴ درصد از نشانه‌های زبانی مراکز اداری مانند بانک‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس در قالب یک‌زبانه فارسی و ۴۴ درصد به صورت دوزبانه فارسی-انگلیسی هستند. به این ترتیب، سهم ترکی آذربایجانی در چشم‌انداز زبانی نهادهای دولتی ناچیز (حدود یک درصد) است. در گروه نشانه‌های پایین-بالا (مراکز خصوصی) ۸۰ درصد از نشانه‌ها به فارسی و ۱۷ درصد به فارسی-انگلیسی و ۷ درصد به انگلیسی هستند. حضور ترکی

آذری در این رده نیز مانند رده نهادهای دولتی بسیار ناچیز است. میرواحدی در توضیح تسلط فارسی در فضای شهری تبریز به دو نکته اشاره می‌کند. نخست این که به دلیل رسمیت فارسی در نهاد آموزش، مردم تبریز عملاً مهارتی در نوشتن یا خواندن به زبان ترکی ندارند. دوم این که فارسی دارای منزلت بالاتری است و استفاده از آن ارتباط با غیرآذری‌زبانان شهر را نیز تسهیل می‌کند. به بیان دیگر، با وجود نقش بی‌رقیب ترکی آذری در گفتار شهروندان تبریز، در متون نوشتاری فضاهای شهری، فارسی زبان کاملاً مسلط است، تسلطی که به واسطه آموزش رسمی و رسانه ملی تقویت و تثبیت می‌شود.

مقاله ۴: «نگرش‌ها به کردی در شهر ایلام، ایران» (سعید رضایی و آوا بهرامی)

نگرش زبانی مجموعه‌ای از احساسات، افکار و پیش‌داوری‌ها در خصوص یک زبان معین است که معمولاً ذیل حوزه روان‌شناسی اجتماعی طبقه‌بندی می‌شود. نویسندگان این مقاله نگرش کردزبانان ایلام را نسبت به شأن^۱، پویایی و نحوه پشتیبانی حکومت از زبان کردی بررسی کرده‌اند. مولف اول این مقاله سال‌ها به تدریس زبان‌شناسی اجتماعی مشغول بوده و پیشتر در زمینه هویت زبانی، نگرش‌های زبانی ارمنی‌زبانان، آذری‌زبانان و نیز چشم‌انداز زبانی مقالاتی را در نشریات بین‌المللی منتشر کرده است. نویسنده دوم نیز علاوه بر تسلط بر فارسی، اردو و هندی با کردی ایلامی نیز به خوبی آشناست. آزمودنی‌های این پژوهش ۳۶۰ نفر دوزبانۀ کردی-فارسی (شامل ۱۸۰ مرد، ۱۶۹ زن و ۱۱ نفر نامشخص در فرم) هستند. بیش از ۸۷ درصد از آنان اظهار داشتند زبان مادری‌شان کردی است. به منظور گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای مطابق با چارچوب‌های نظری نگرش‌سنجی آماده شد. سپس با ۲۲ نفر از آزمودنی‌ها مصاحبه شد. از جزئیات ارائه شده در مقاله چنین برمی‌آید که مصاحبه‌ها به صورت نیمه-ساخت‌مند انجام گرفته شده‌اند. علاوه بر پرسشنامه و مصاحبه، مشاهدات میدانی نویسنده دوم نیز به مجموعه داده‌های قابل استفاده افزوده شدند. در تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس استفاده شده است. مطابق با یافته‌ها، کردزبانان شهر ایلام نگرش مثبتی به زبان خود دارند و لذا پویایی و حفظ زبان کردی در این شهر تا حد زیادی تضمین شده است. در خصوص شأن کردی نظرات متناقضی توسط آزمودنی‌ها مطرح شده است. گروهی بر این باورند که کردی مایه غرور و افتخار است و گروهی دیگر معتقدند هنگام استفاده از این زبان در تهران، آنان را شهرستانی (غیرتهرانی) می‌خوانند.

بخش دوم: کاربرد و حفظ میراث زبانی: فارسی در دیاسپورا (جوامع دور از وطن)
این بخش شامل سه مقاله در زمینه تلاش ایرانیان ساکن در سه کشور نیوزلند، دانمارک و استرالیا برای حفظ زبان موروثی^۱ خود است.

مقاله ۵: «سیاست زبانی خانواده در قبال یادگیری و حفظ میراث زبانی: ایرانیان ساکن در نیوزلند» (خدید غریبی و کورنی سیلز^۲)

نیوزلند (یا زلاندنو) کشوری در جنوب غربی اقیانوس آرام است که جمعیتی معادل پنج و نیم میلیون نفر را در خود جای داده است.

آمارها در خصوص تعداد ایرانیان ساکن نیوزلند ضد و نقیض است. بر اساس یکی از منابع منتشرشده حدود ۸۰۰۰ نفر ایرانی با ویزای دائمی یا موقت در این کشور زندگی می‌کنند. بی‌تردید، نگرش و عملکرد زبانی این گروه از ایرانیان-به ویژه از آنجا که در این کشور مدرسه ویژه ایرانیان وجود ندارد- کنجکاوی هر علاقه‌مند به زبان‌شناسی اجتماعی را برمی‌انگیزد. غریبی و سیلز با اشاره به این که در چنین موقعیت‌هایی، خانواده مهم‌ترین کانون برای حفظ میراث زبانی به شمار می‌آید، از انگاره سیاست زبانی اسپولسکی^۳ (۲۰۰۴) برای مطالعه عملکرد زبانی خانواده‌های ایرانی ساکن در سه شهر ولینگتون، کریس چرچ، و اوکلند بهره برده‌اند. الگوی مزبور شامل سه بخش اصلی به این شرح است: باورهای زبانی (ایدئولوژی زبانی)، اقدامات زبانی و مدیریت زبان. محققان ۲۴ نفر از والدین ایرانی ساکن نیوزلند را که فرزندان بین ۶ تا ۱۸ سال داشتند به عنوان آزمودنی انتخاب کردند. سپس با کمک پرسشنامه‌ای برگرفته از پرسشنامه معیار دانشگاه گرونینگن به مصاحبه با آزمودنی‌ها پرداختند. در تحلیل داده‌ها از نظریه زمینه‌ای^۴ استفاده شده است. بر اساس این نظریه میان داده‌های استخراج‌شده و تحلیل ارتباط‌های چندمرحله‌ای برقرار است. در نهایت، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار ان ویوو^۵ ۱۰ تحلیل نهایی شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد والدین ایرانی بیشتر به مهارت گفتاری فرزندان خود در حوزه خانواده توجه می‌کنند و کمتر به دو مهارت خواندن و نوشتن (به زبان فارسی) می‌اندیشند. آنان بر این باورند که به دلیل عدم استفاده از فارسی در مدارس، سواد خواندن و نوشتن به فارسی ضرورتی ندارد. غریبی و سیلز بحث تلاش والدین برای حفظ میراث زبانی را با مفهوم «سرمایه‌گذاری» نورتون^۶ (۲۰۰۰) تبیین کرده‌اند. آنان معتقدند مطابق با این مفهوم،

1. heritage language
2. C. Seals
3. B. Spolsky
4. grounded theory
5. NVivo 10
6. B. Norton

والدین فرزندان خود را در «یک اجتماع فرضی» تجسم می‌کنند و از آنجا که در اجتماع مذکور زبان فارسی جایگاه خاصی در انتقال دانش، شغل‌یابی و کسب درآمد ندارد، سرمایه‌گذاری خاصی هم برای آموزش و تقویت دو مهارت خواندن و نوشتن فارسی نمی‌کنند.

مقاله ۶: «مسائل زبان مادری: بررسی قوم‌نگارانه دیدگاه‌های بین‌نسلی در گفت‌وگوهای کلاس‌های آموزش زبان فارسی» (نرگس قندچی)

کودک زبان مادری‌اش را بدون آموزش مستقیم فرا می‌گیرد و به مرور زمان از زبان اول خود برای ایفای نقش‌های اجتماعی مختلف بهره می‌گیرد. بی‌تردید، کل این فرایند به ظاهر ساده در موقعیت‌های چندزبانه به معضلی پیچیده تبدیل می‌شود. در توصیف و ارزیابی یکی از این موقعیت‌های پیچیده، نویسنده این مقاله به بررسی فراگیری زبان مادری در میان کودکان ایرانی ساکن کپنهاک (دانمارک) پرداخته است. قندچی با تکیه بر روش‌های مرسوم در قوم‌نگاری زبانی به توصیف نظرات و دیدگاه‌های زبان‌آموزان و خویشاوندان آنان در دو موسسه آموزش زبان فارسی پرداخته است. محقق که خود نیز دست‌اندرکار آموزش فارسی بوده است بیش از ۱۲۰ ساعت از تعاملات کلامی درون کلاس را ضبط کرده و همچنین ۱۹ مصاحبه با والدین و معلمان، ۵۸ یادداشت و نکات مربوط به یک ساعت تعامل کلامی در خانه را به داده‌های تحقیق افزوده است. تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که زبان‌آموزان و خویشاوندان مسن با زبان‌آموزان و خویشاوندان جوان‌تر مشکل دارند. برخی زبان‌آموزان کم سن و سال ترجیح می‌دهند به جای شرکت در کلاس آموزش فارسی به تفریح بپردازند. گروهی دیگر معتقدند این کلاس‌ها فرصت‌های مناسبی فراهم می‌کنند تا بتوانند با خانواده‌هایی که به دانمارکی مسلط نیستند ارتباط برقرار کنند. قندچی کل موضوع زبان مادری و زبان غیرمادری را بر اساس دوگانه «خود» و «دیگری» باختین صورت‌بندی کرده و در بخش نتیجه‌گیری نیز نظرات آزمودنی‌ها را ذیل همین دوگانه ارزیابی می‌کند.

مقاله ۷: «آیا اینها را می‌توان چشید؟: موقعیت‌های حساس در فروشگاه‌های ایرانی سیدنی» (داریوش ایزدی)

این مقاله به بررسی گفت‌وگوهای کوتاه و روزمره میان فروشندگان و مشتریان در یک فروشگاه ایرانی در سیدنی اختصاص دارد. به ادعای نویسنده، در چنین گفت‌وگو‌هایی «موقعیت‌های حساس» فراوانی بروز می‌کنند. موقعیت‌هایی سرشار از ابهام و سوءتفاهم که اهل زبان برای رفع‌شان ناچارند به رمزگردانی، ایما و اشاره و گاه ارجاع مستقیم به اشیاء و کالاها متوسل شوند. با توجه به اهمیت بافت موقعیت در بروز موقعیت‌های حساس، ایزدی پژوهش خود را در

چارچوب نظریه «تحلیل کلام با واسطه»^۱ (نوریس^۲ و جونز^۳، ۲۰۰۵) انجام داده است. محقق برای دستیابی به داده‌های طبیعی، خود در چندین نوبت به عنوان فروشنده در یک فروشگاه ایرانی در سیدنی کار کرده و در ساعات مزبور با مشتریان و سایر فروشندگان ارتباط کلامی و کاری داشته است. در مقاله چند نمونه تفصیلی تعامل میان فروشندگان و مشتریان گنجانده شده است. در یکی از این نمونه‌ها، خرما به عنوان موضوع اصلی تعامل مطرح می‌شود و در جریان گفت‌وگو در باره خرما موقعیت‌های حساسی بروز می‌کنند، موقعیت‌هایی که صرفاً به واسطه آشنایی با ارزش غذایی خرما، نقش فرهنگی و نمادین آن در مراسم ترحیم و همچنین جایگاه آن در ماه رمضان درک می‌شوند. نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد که فروشگاه‌های گروه‌های اقلیت در کلان‌شهرها علاوه بر فعالیت اقتصادی و عرضه انواع محصولات بومی، در عمل فرهنگ و زبان مرتبط با محصولات را نیز عرضه و تبلیغ می‌کنند.

بخش سوم: هویت‌های چندملیتی و تحرک: نقش فارسی، زبان‌های قومی و انگلیسی
این بخش شامل سه مقاله است.

مقاله ۸: «مانع‌زبانی و تضاد درونی در میان ایرانیان مهاجر در استرالیا؛ مطالعه موردی بحران آوارگی» (حسین شکوهی و علیرضا فرد کاشانی)

این مقاله به دو مانع پیش روی ایرانیان مهاجر در استرالیا می‌پردازد. یک مانع، زبان جامعه میزبان (انگلیسی) است و دیگری تضاد است که بین دو گروه از مهاجران شامل متقاضیان اردوگاه (پناهنده‌ها) و دارندگان ویزای شغلی شکل می‌گیرد. پناهنده‌ها معمولاً تسلط چندانی به زبان انگلیسی ندارند، اما گروه دوم به دلیل نوع ویزای شغلی‌شان تا حدی با زبان انگلیسی آشنا هستند. مشکل بسیاری از اعضای این دو گروه این است که به واسطه عدم تسلط کافی بر انگلیسی، محدودیت‌ها و مشکلاتی را در محیط کار و زندگی‌شان تجربه می‌کنند و البته گروه نخست یعنی پناهنده‌ها از جانب گروه دوم یعنی دارندگان ویزای شغلی هم طرد می‌شوند. نویسندگان این مقاله در شرح موانع زبانی و تضادی که میان این دو گروه از ایرانیان درمی‌گیرد به مفاهیمی مانند هویت ایرانی، میراث زبان فارسی، تنوع قومی در استرالیا و ارزش‌های غربی اشاره کرده و دو مفهوم سرمایه زبانی و عادت‌واره^۴ را به مثابه دو مفهوم کلیدی مدنظر قرار می‌دهند. در این پژوهش هشت مرد به عنوان آزمودنی مشارکت داشته‌اند. چهار نفر از آنان

1. mediated discourse analysis
2. S. Norris
3. R. H. Jones
4. habitus

به صورت غیرقانونی و با کشتی وارد استرالیا شده‌اند و چهار نفر دیگر دارای ویزای معتبر شغلی هستند. نویسندگان مقاله تجربه تحصیل و کار در استرالیا را داشته‌اند و کوشیده‌اند با بی‌طرفی کامل روایت این هشت مهاجر ایرانی را در خصوص زبان و هویت گردآوری و تحلیل کنند. در طول مصاحبه، تمام این هشت نفر اظهار داشتند که به واسطه دشواری زندگی در ایران تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند و در ابتدا به چیزی تحت عنوان مانع زبانی فکر نمی‌کردند. آنان تصور می‌کردند یادگیری زبان انگلیسی کار ساده‌ای است و حالا پس از ورود به استرالیا دریافته‌اند که به راستی با مانعی جدی مواجه شده‌اند. توصیف آنان از موقعیت‌های زبانی با کلمات و عباراتی نظیر «سکوت»، «اضطراب»، «قاصی کردن» و «عزت نفس» و نظایر آن همراه شده است. آزمودنی‌ها معتقدند به دلیل لهجه خارجی‌شان در محیط کار چندان جدی گرفته نمی‌شوند که این امر با مفهوم سرمایه زبانی بوردیو^۱ (۱۹۹۱) قابل ارزیابی است. نویسندگان مقاله بر این باورند که نگرش و احساس این هشت نفر کم‌وبیش با آنچه فرهنگ ایرانی تلقی می‌شود سازگار است. فرهنگی که در آن ساختار سلسله مراتبی به رسمیت شناخته شده و پرهیز از رویارویی و گرایش به سازگاری مثبت و سازنده توصیه می‌شود. در هر حال، عدم تسلط به انگلیسی باعث می‌شود فرد در محیط کار دارای قدرت و موقعیت مناسبی نباشد و به این ترتیب از حلقه‌های اصلی محیط کاری‌اش طرد شود، به خصوص اگر فرد مورد نظر پناهنده باشد. در خصوص مانع میان دو گروه ایرانی، ذکر این نکته ضروری است که پناهندگان اظهار می‌کنند که دارندگان ویزای شغلی به دیده تحقیر به آنان می‌نگرند. تصور کلی این است که از نظر دارندگان ویزا، پناهندگان میراث فرهنگی ایران را بازتاب نمی‌دهند و به دلیل ضعف‌شان در سواد عمومی، انگلیسی و مهارت‌های شغلی عملاً از بودجه عمومی کشور استرالیا ارتزاق می‌کنند. از سوی دیگر، پناهندگان اغلب بر این باورند که دارندگان ویزا به واسطه پول، تحصیلات دانشگاهی و تسلط به انگلیسی خود را تافته‌ای جداافتاده می‌دانند. ظاهراً تنها نقطه مشترک میان این دو گروه این است که از بی‌ثباتی اقتصادی و وضعیت نامطلوب وطن‌شان فاصله گرفته‌اند. در مجموع، مهم‌ترین احساس غالب در میان هشت آزمودنی - اکثر پناهندگان و برخی دارندگان ویزای شغلی - احساس طرد ناشی از ضعف مهارت در انگلیسی است. البته، پناهندگان این طرد و انزوا را بیشتر و عمیق‌تر احساس می‌کنند. شکوهی و فرد کاشانی معتقدند مهاجران باید بدانند که در جامعه جدید بایستی خیلی چیزها را فراگیرند. فراگیری انگلیسی تنها یکی از این اینهاست که البته تأثیر بسزایی در یادگیری مهارت‌های دیگر دارد و به آنان امکان می‌دهد تا به گونه‌ای مناسب از منابع قدرت موجود در جامعه میزبان بهره‌مند شوند.

مقاله ۹: «بررسی ایدئولوژی‌ها و هویت‌های چندزبانه میان اجتماعات ایرانی در شرایط تحرک» (ترانه صانعی)

جابجایی مکانی و ارتباطات فناورانه باعث شده تا اشکال جدیدی از ایدئولوژی و هویت در میان اهل زبان شکل بگیرد. نویسنده این مقاله به این پرسش پاسخ می‌دهد که دوزبانه‌های فارسی-انگلیسی ساکنان ایران و آمریکا، ایدئولوژی و هویت زبانی‌شان را چگونه بازتاب می‌دهند. بر پایه مطالعات گذشته، تحرک^۱ افراد و منابع در عصر جهانی‌شدگی از یک سو موجب تغییر در ارزش‌های مرتبط با ایدئولوژی‌ها و هویت زبانی شده و از سوی دیگر، باعث بروز الگوهای پیچیده‌تری در زمینه کاربرد زبان شده است. یکی از این الگوهای پیچیده رمزگردانی درون‌جمله‌ای^۲ در گفتار مهاجران است. این فرضیه نیز مطرح است که هر چقدر یک زبان اصطلاحاً حاشیه‌ای‌تر باشد، نقش آن در بازتاب هویت زبانی کاربرانش بیشتر خواهد بود. نویسنده ابتدا به شرح مفاهیم تحرک و تراملیت^۳ و تأثیر این دو بر رفتار زبانی-اجتماعی افراد در عصر جهانی‌شدگی می‌پردازد. سپس نمونه‌هایی از اظهارات ایرانیان ساکن ایران و ایرانیان مهاجر در کشور آمریکا را ارائه می‌دهد. نویسنده با ارائه این نمونه‌ها نشان می‌دهد که چگونه اهل زبان از رمزگردانی برای ساختن و ارائه هویتی مبتنی بر مهاجرت از خود استفاده می‌کنند. خود نویسنده دوزبانه فارسی-انگلیسی است و با ایدئولوژی‌های زبانی ایرانیان و نیز ساکنان کشور آمریکا آشناست. او با تکیه بر مشاهدات عینی خود به این نتیجه می‌رسد که اهل زبان با استفاده از رمزگردانی می‌کوشند از قیدوبندهای زمان و مکان رها شوند و برای خود هویت‌هایی جدید خلق کنند. ایرانیان داخل کشور از رمزگردانی (استفاده از عناصر انگلیسی در گفتار فارسی) برای القاء تمایز استفاده می‌کنند و ایرانیان ساکن آمریکا با رمزگردانی و به ویژه با تلفظ دقیق کلمات انگلیسی می‌کوشند تصویری از خود به مثابه یک مهاجر خوب و آشنا با تلفظ صحیح انگلیسی ارائه دهند.

مقاله ۱۰: «تحرک، هویت و پیچیدگی: ایرانیان آذری‌زبان در کشور آمریکا» (فرزاد کریم‌زاد)

نویسنده این مقاله پیچیدگی‌ها در عملکردهای زبانی-اجتماعی ایرانیان آذری‌زبان در آمریکا را با تکیه بر مفهوم چندمرکزبودگی^۴ بررسی کرده است. مطابق با این مفهوم، بسیاری از پدیده‌های پیچیده دارای یک محور یا مرکز توجه نیستند و برای تحلیل‌شان ناچاریم چند محور یا مرکز

1. mobility
2. sentential code-switching
3. transnationalism
4. polycentricity

را مدنظر قرار دهیم. نویسنده، گفت‌وگوی سه نفر ایرانی آذری‌زبان ساکن در امریکا را در سه بافت مختلف به عنوان پیکره پژوهش خود انتخاب کرده است. به دلیل ماهیت پژوهش و تأکید نویسنده بر پیچیدگی موضوع و نقش متغیرهای مختلف، اطلاعات دقیقی از شغل، اعضای خانواده و وضعیت فرهنگی و اقتصادی مشارکت‌کنندگان در مطالعه ارائه شده است. تأمل در اظهارات آزمودنی‌ها نشان می‌دهد که آنان بر حسب مکان، زمان و موضوع گفت‌وگوها، راهکارهای مختلفی را برای بازنمایی خود و هویت جمعی‌شان انتخاب می‌کنند. در گفت‌وگوهای مطالعه شده، یکی از آزمودنی‌ها به هویتی اشاره می‌کند که از مرزهای سیاسی کشورها فراتر می‌رود و برای تمام ترک‌ها و ترک‌زبانان جهان هویتی واحد در نظر می‌گیرد. در نقطه مقابل، آزمودنی دیگر بر هویت ایرانیان آذری‌زبان تأکید می‌ورزد و آن را از زبان و هویت ترکی متمایز می‌کند. نویسنده در انتهای مقاله ادعا می‌کند که دلیل تعدد و پیچیدگی عوامل موثر در هویت‌یابی، هنگام توصیف و ارزیابی اظهارات هویت‌طلبانه باید از تمایزهای سنتی خرد-کلان صرف نظر کنیم و با اعتماد به مفهوم چندمرکزبودگی، به طور همزمان به انواع متغیرهای فردی و اجتماعی متوسل شویم.

مقاله ۱۱: «ایرانیان در داخل و خارج از کشور: مسائل زبان‌شناسی اجتماعی امروز، راه حل‌های ممکن و مطالعات آینده» (سید هادی میرواحدی)

میرواحدی در فصل پایانی جمع‌بندی‌ای از مطالب ارائه شده در کتاب را عرضه کرده است. او ابتدا با اشاره به نقش رویدادهای اجتماعی و سیاسی دور و نزدیک در وضعیت زبانی ایرانیان، به این نکته اشاره می‌کند که مانند برخی کشورها از جمله فرانسه، در ایران نیز حاکمیت همواره در پی تقویت و تثبیت یک زبان واحد بوده و به این ترتیب زبان فارسی به عنوان زبان ملی و رسمی ایرانیان معرفی شده است. همین سیاست «یک زبان، یک ملت» منشأ بسیاری از دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی در قبال زبان‌های بومی بوده است. به اعتقاد میرواحدی، یکی از دغدغه‌های عمده زبان‌شناسان اجتماعی ارزیابی رویارویی و رقابت زبان‌های اقلیت با زبان ملی است و سه مقاله بخش اول کتاب که به کاربرد زبان در اردبیل، تبریز و ایلام اختصاص دارند، در راستای همین دغدغه است. مهاجرت ایرانیان در مقیاس وسیع تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر زبان فارسی کاربران گذاشته است و ارزیابی ارتباط زبان با مهاجرت یکی دیگر از دغدغه‌های پژوهشی محققان است. شش مقاله مندرج در بخش دوم و سوم کتاب در واکنش به همین دغدغه تدوین شده‌اند. از نظر میرواحدی شأن و کارکرد زبان‌های اقلیت در ایران شباهت بسیاری با شأن و کارکرد فارسی در جوامع دور از وطن دارد. این شباهت به ما یادآوری می‌کند که برای توصیف وضعیت زبان ایرانیان خواه در داخل خواه در خارج به مبانی نظری و

روش‌های پژوهشی مناسب در تحلیل گفتمان، قوم‌نگاری و نظریه‌های زبان‌شناسی اجتماعی نیازمندیم.

نتیجه‌گیری

در کتاب‌های موسوم به مجموعه مقالات، انتظار منطقی این است که ابتدا ضرورت انجام تحقیقات و نگارش مقالات شرح داده شود و در پایان نیز جمع‌بندی‌ای از محتوای مقالات ارائه گردد. در این کتاب مقاله یک و مقاله یازده این دو نقش زمینه‌چینی و جمع‌بندی را به خوبی ایفا می‌کنند. در فصل یک همزمان با مرور تحولات اجتماعی و سیاسی ایران معاصر با موضوع تنوع زبانی، جایگاه زبان فارسی و همچنین وضعیت زبان‌ها و گویش‌های بومی ایران آشنا می‌شویم. طرح این مطالب به حد کافی کنجکاو خواننده را برای مطالعه کل کتاب برمی‌انگیزد. در فصل یازدهم نیز ضمن ارزیابی کلی مقالات کتاب، این گزاره کلیدی مطرح می‌شود که شأن و کارکرد زبان‌های بومی در ایران کم و بیش مشابه شأن و کارکرد زبان فارسی در خارج از کشور است.

مقالات کتاب حاضر را می‌توان از نظر پوشش مطالب و مفاهیم زبان‌شناسی اجتماعی، التزام به چارچوب‌های نظری و استفاده از ابزارهای پژوهشی مانند پرسشنامه و مصاحبه نیز ارزیابی کرد. به لحاظ موضوعی، «نگرش» و «ایدئولوژی زبانی» در زمره محبوب‌ترین موضوعات هستند. اغلب مقالات (۲، ۵، ۷، ۱۰) علاوه بر مبانی نظری عمومی مرتبط با موضوع مورد مطالعه، به یک انگاره نظری معین تکیه کرده‌اند. همچنین، در هفت مقاله (شامل مقالات ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰) از مصاحبه به عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

در مجموع، کتاب مورد بحث ما اثری است خواندنی و آموزنده برای تمام دانشجویان و محققان زبان‌شناسی، به ویژه برای آن دسته از مخاطبان که به مباحثی نظیر تنوع زبانی، هویت، نگرش، حقوق اقلیت‌های زبانی و برنامه‌ریزی زبان علاقه‌مندند. در پایان ذکر سه نکته ضروری است. نخست این که مطابق با عنوان کتاب، نویسندگان مقالات صرفاً به سه زبان فارسی، ترکی و کردی متمرکز بوده‌اند. بدیهی است برای شناخت و فهم تنوع زبانی در سرزمین ایران بایستی به زبان‌ها و گویش‌های دیگر از جمله عربی، بلوچی، تاتی، ارمنی، لری، گیلکی، مازندرانی و نیز انواع گویش‌ها و لهجه‌های فارسی نیز توجه کنیم. نکته دوم که نوعی ضعف و کاستی محسوب می‌شود این است که در هیچ یک از مقالات این کتاب، زیرنظام‌های آوایی، واژگانی، نحوی و معنایی زبان‌های فارسی، کردی یا ترکی آذری مورد بحث جدی قرار نگرفته‌اند. به بیان دیگر، نویسندگان مقالات این کتاب بیشتر به اهل زبان و عملکرد زبانی آنان در موقعیت‌های گوناگون توجه داشته‌اند و در این میان، خود زبان و تغییرات تحمیل شده بر آن

از دایره اصلی مطالعات بیرون مانده است. نکته سوم که نقطه ضعفی دیگر برای مقالات این کتاب و البته اغلب آثار مشابه محسوب می‌شود این است که در هیچ یک از مقالات، هیچ اشاره‌ای به منابع فارسی منتشر شده در ایران نشده است. این خلاء به حدی نمایان است که گویی در مقالات انگلیسی، ذکر آثار فارسی نوعی تابو به شمار می‌آید. نگارنده این سطور بر این باور است که چنین رویه‌ای دو پیامد نامطلوب به همراه دارد. نخست این که آثار منتشر شده به فارسی دچار انزوا شده و به حلقه‌ای از محققان ایرانی و نشریات فارسی محدود می‌مانند. دوم این که با این رویکرد، محققان خارج از کشور عملاً خود را از یافته‌های هم‌وطنان‌شان در نشریات فارسی داخلی محروم می‌کنند. برای ذکر یک نمونه کافی است به مقاله چهارم کتاب تحت عنوان «نگرش‌ها به کردی در شهر ایلام، ایران» اشاره کنیم. مقاله مزبور از جهات گوناگون اثری ارزشمند به شمار می‌آید اما به گمان نگارنده این سطور، رجوع نویسندگان به برخی آثار فارسی مانند کتاب «همسازی و تعارض در هویت و قومیت» (فکوهی، ۱۳۸۹) یا مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به هویت ملی و هویت قومی با تأکید بر احساس محرومیت نسبی در بین جوانان شهر ایلام» (رئوفی و همکاران، ۱۳۹۶) به غنای حداکثری اثر کمک شایانی می‌کرد. صرف‌نظر از نکات فوق‌الذکر، این کتاب از نظر نثر نویسندگان مقالات، شرح ادبیات تحقیق، استفاده از انگاره‌های نظری جدید، نوآوری در گردآوری و پردازش داده‌ها و همچنین قدرت و استحکام تحلیل مجموعه‌ای فاخر در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی به شمار می‌آید.

منابع

- رئوفی، میترا، تاج‌الدین، محمدباقر، مشهدی میقانی، ژیلا (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به هویت ملی و هویت قومی با تأکید بر احساس محرومیت نسبی در بین جوانان شهر ایلام. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱ (۲)، ۵-۲۴.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). *همسازی و تعارض در هویت و قومیت*. تهران: نشر گل آذین.
- Batibo, H.M. (2005). *Language decline and death in Africa: Causes, consequences, and challenges*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Bourdieu, P. (1991). *Language and symbolic power* (G. Raymond & M. Adamson, Trans.). Oxford: Polity Press.
- Karimzad, F. (2016). "Optimal choices: Azer multilingualism in indigenous and diaspora contexts". *International Journal of Bilingualism*. 22(2), 141-158.
- Mirvahedi, S. H. (ed.) (2019). *The Sociolinguistics of Iran's Languages at Home and Abroad: The Case of Persian, Azerbaijani, and Kurdish*. Switzerland: Palgrave Macmillan.
- Norris, S. & Jones, R.H. (2005). *Discourse in action: Introducing mediated discourse analysis*. New York: Routledge.
- Norton, B. (2000). *Identity and language learning: Gender, ethnicity and educational change*. Harlow, UK: Pearson Education.

- Pan, Y. (2007). *The role of sociolinguistics in Federal survey development*. Research Report Series. Statistical Research Division, U.S. census Bureau, Washington, DC20233.
- Spolsky, B. (2004). *Language policy*. Cambridge: Cambridge University Press.

استناد به این مقاله: رضاقلی فامیان، علی. (۱۴۰۳). زبان‌شناسی اجتماعی زبان‌های ایرانی در داخل و خارج از کشور: مطالعات موردی فارسی، ترکی آذربایجانی و کردی، به‌اهتمام سید هادی میرواحدی، پالگریو مک‌میلان، ۲۰۱۹، xvii+294 صفحه.. *زبان و زبان‌شناسی*، ۲۰(۳۹)، ۳۸۱-۳۹۶.

doi: DOI: 10.30465/LSI.2025.49549.1773